تمسک به قاعده اشتغال برای احتیاط در «قرائت مالک یوم الدین» در کتاب «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم»

دیروز آقایی کتابی به من دادند، سال‌ها طول کشیده است که آن را بنویسند. روی آن نوشته کتاب سال جمهوری اسلامی. برای آقای دکتر سید محمدباقر حجتی است. یک عمر زحمت کشیده‌اند. استادی هستند که یک عمر زحمت کشیده‌اند. «پژوهشی در تاریخ قرآن کریم». آسید محمد باقر حجتی، حدود بیست و هفت روز بعد از جدشان مرحوم آسید محمد باقر حجتی بارفروشی متولد شدند. جدشان از مجتهدین بابل بودند. کمتر از یک ماه بعد از جدشان به دنیا آمدند، اسم جد را روی ایشان گذاشتند. خُب شاگرد اساتید مهمی بودند. کتاب را بعداً خودتان ببینید. غیر از آن، خلاصه یک عمر زحمت کشیده‌اند. اما این کتاب با این همه زحمات که یک استاد رتبه اول تصنیف فرموده‌اند، وقتی نگاه می‌کنیم، می‌بینیم خیلی از جاها با هم توافق ندارد. به ذهنم به این صورت آمد...؛ البته گفته‌اند بخش اول چیزهایی داشت که من در چاپ دوم سفارش کرده‌ام چاپ نکنید تا من تغییراتی بدهم. بعضی از جاهای آن برای بعد ها است که مؤلف خیلی پخته شده است. سال‌ها مطلب دیده است، برخی از بخش‌های آنکه به گمانم تغییر نکرده، برای همان زمان‌های اولیه است. یکی از مواردیکه برای دوران اولیه است، این است: ایشان می‌گویند خُب نماز را چه کار کنیم؟! یک چیز خیلی ساده که من برای یک دلیل خیلی محکم برای مسأله قرائات آورده‌ام. ایشان در صفحه چهارصد پنجاه و هفت فرموده‌اند: آیا مصاحفی که عثمان نوشت با هم اختلاف داشتند؟ در صفحه دویست و هفت دارند: «فوائد اختلاف قرائات، تفاوت اختلاف قراء با اختلاف فقهاء». حرف‌های ابن جزری را می‌آورند. ما چندبار حرف ابن جزری را خوانده‌ایم. در صفحه سیصد و نود و چهار می‌فرمایند...؛ مطلبی که دارند خیلی درست است. می‌گویند عقل می‌گوید؛ واقعاً هم عقل می‌گوید. اما آن چه که ما در خارج می‌بینیم گاهی موافق است، و گاهی مخالف. در مورد اینکه قرائات حجت دارد یا ندارد، مطالبی را می‌گویند. بعد می‌گویند حالا باید چه کار کنیم؟ می‌توانیم یک نماز بخوانیم یا نه؟ در صفحه سیصد و نود و هشت می‌فرمایند:

«جمهور علماء شیعه و اهلسنت مطلب فوق را تأیید کرده‌اند»؛ اینکه قرائات می‌شود و تواتر دارند. می‌گویند: «ولی حق مطلب این نیست». شما به حق مطلب ایشان توجه کنید. آن چه که از عقل می‌گویند قبول است. خیلی هم روشن است. اما آن چه که لازمه بحث می‌شود را ببینید.

> ولی حق مطلب این است که قرائت طبق هر قرائتی که قرآنیت آن از ناحیه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله و معصومین علیهم‌السلام ثابت نشده است، جایز نیست. زیرا آن چه در نماز واجب است، قرائت قرآن است و قرائتی که قرآنیت آن محرز نشده جایز نخواهد بود. عقل حکم می‌کند که پس از اشتغال ذمه باید فارغ یقینی و قطعی را احراز کرد. بنابراین ناگزیر باید نماز را به تعداد قرائات گوناگون ای به تعداد موارد اختلاف قرائات تکرار کرد. تا امتثال قطعی حاصل شود. طبق این نظر تکرار ای جمع قرائت «مالک» و «ملک» در سوره حمد واجب خواهد بود.

اشتغال یقینی این است. عقل می‌گوید شما می‌دانی که باید نماز بخوانید. «ملک» را خواندی، اما آیا قرائت را خواندی ای نخواندی؟ شک داری. خُب یک نماز دیگر بخوان. در یکی «ملک» بخوان و در دیگری «مالک» بخوان. خُب حال ارتکاز مسلمانان این است؟! یعنی چون شما نمی‌دانید باید دو نماز بخوانید؟! ای لااقل در نماز هر دوی آن‌ها را بخوانید؟! خُب سیره مسلمین و این همه شیعه ای که در زمان معصومین بودند، چه می‌شود؟! آن‌ها این عقل را نداشتند؟! شما می‌گویید عقل و درست هم می‌گویید...؛ در آن صفحه‌ای که عنوانش یک دلیل بر تعدد قرائات بود، عرض کردم. به نظر تا بیست و سه دلیل رسیده است. اولین دلیل همین بود؛ من عرض کردم ایشان که می‌گویند قضیه اشتغال را عقل می‌گوید، فطرت هر کسی می‌گوید. می‌خواهد نمازی که بخوان همانی باشد که دستور داده‌اند و مطمئن باشد که خوانده است. خُب به اختلاف قرائة المدنیین و العراقیین می‌رسد و می‌بینند؛ در همان زمان هم معلوم بوده. از سفیان بن عیینه چه پرسیدند؟ در مدینه «ملک» می‌خوانند و در کوفه «مالک» می‌خوانند. عاصم «مالک» خوانده، نافع «ملک» خوانده. الآن هم در غرب آفریقا و در الجزائر «ملک» می‌خوانند چون مصحف آن‌ها مصحف ورش است. مصحف ما که حفص است «مالک» می‌خوانیم. خُب وقتی به این صورت است، کدام نماز ما درست است؟! هر کسی می‌فهمد؛ لازمه عقل هم این است که باید دو نماز بخوانیم.

اما وقتی این لازمه را دارد که شما می‌گویید تنها یکی ازآن‌ها را ملک وحی آورده است. بله، این درست است. خُب وقتی این مبانء را داری چراهای ندارید. اما آن مبانی مشهور را –شهید ثانی، شهید اول، علامه و شیخ طوسی- ما این همه از علماء را که بررسی کردیم تا مجلسی اول یک نفر را پیدا نکردیم. محقق اردبیلی با آن مدارک هایی که می‌کنند، هفت تا را قبول دارند. یعنی این قدر ایشان تأکید کردند که باید قرآن قطعی را بخواند، اما فرمودند در هفت تا خلافی نیست. یعنی زند مقدس اردبیلی واضح بود که اگر «مالک» بخوانیم ای «ملک» بخوانیم هر دو قرآن است و از ناحیه خدا آمده. این از مسلمات علماء شیعه بوده. حال شما از زمان مجلسی اول، از وقتی که فضای تحدیث پر رنگ شد، حدیث حرف واحد وج حاکم شد؛ اینکه تنها یکی از آن‌ها قرآن است. وقتی به این صورت حاکم شد، نتیجه آن چه شد؟ نتیجه آن این است که الآن ایشان می‌گویند باید دو نماز بخوانیم.

بنابراین قاعده عقلی درست است، اینکه اگر این مبانء را داشته باشیم باید دو نماز بخوانیم هم درست است، اینکه باید دو نماز بخوانیم خلاف سیره و ارتکاز و همه چیزها است. پس کاشف از این است که باید این مبانء مالحظه شود و بازنویسی شود. این جور نیست که این مبانء الآن جا افتاده است.

شاگرد: دیگر عقل نمی‌آید... .

استاد: بله، ما برائت یقینی حاصل می‌کنیم. همانی که ابوعبید در فضائل القرآن گفت. گفت همه این مصاحفی که داریم را جبرئیل آورده است. هر کدامش را در نماز بخوانیم درست است. «فلا یخاف» قطعاً در نماز درست است، «و لا یخاف» هم قطعاً درست است. «و الله هوالغنی الحمید» و «والله الغنی الحمید» هر دویش در مصحف صحیح است. «اوصی» و «و وصّی» صحیح است. مجموع آن‌ها هفتاد مورد می‌شود.

بازبینی #2
ایجاد شده 13 ژوئن 2024 12:22:32 توسط ... .
به روزرسانی شده 18 ژوئن 2024 13:05:01 توسط ... .